

گفت‌وگوی احمد غلامی با مسعود نیلی

فعلا دچار انسداد نیستیم

سازمان برنامه و بودجه در ایران، یکی از نهادهای پرفرازونشیب بوده است. برخلاف آنچه از یک نهاد برنامه‌ریزی اقتصادی انتظار می‌رود، در سازمان برنامه و بودجه سیاست کم‌ریگ نبوده و همواره دستخوش بازی‌ها و منافع سیاسی دولت‌ها بوده است.
در بخش دوم گفت‌وگو با مسعود نیلی، از نقش برنامه سوم توسعه در اقتصاد کشور و از بحران‌های اقتصادی کنونی سخن گفته‌ایم.

صفحه ۱۱



چهارشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۱ • ۱۰ صفر ۱۴۴۴ • ۷ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۶۹ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان



در گفت‌وگوی «شرق» با سید وحید کریمی بررسی شد

روابط تهران–لندن در دوران نخست‌وزیری لیز تراس

عبدالرحمن فتح‌الهی: لیز تراس، وزیر امور خارجه دولت بوریس جانسون دوشنبه هفته جاری و در پی اعلام نتایج انتخابات درون حزبی در حزب محافظه‌کار به عنوان رهبر این حزب و نخست‌وزیر آینده بریتانیا انتخاب شد؛ او پنجاه‌وششمین نخست‌وزیر این کشور و سومین نخست‌وزیر زن تاریخ بریتانیا پس از مارگارت تاچر و ترزا می است…

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: قانون در برابر وکلای متخلف چه می‌گوید؟ مدافعان سرسخت هویت ایرانی و **یادداشت‌هایی از** امیر عربی، حسن خلیل خلیلی، مریم منصوروی

رئیس انجمن مدیریت کیفیت ایران علل کیفیت پایین کالاهای ایرانی را واکاوی می‌کند

اداره گران کارخانه‌های ایران

جوایز قدیمی‌ترین جشنواره سینمای جهان به چه کسانی می‌رسد؟

شیرهای ۹۰ساله ونیز

۴

مهدی تاج چگونه اصولگراها را به هم ریخت؟

۹

رویارویی چین و آمریکا در خاورمیانه دور از انتظار نیست

جاه طلبی پکن در خلیج فارس

۵

یادداشت‌روزنامه‌نگاران

نام دیگرش «صیانت تدریجی» است



سینا رحیمی‌پور

ترس ما از مرگ غریزی است. درصد بسیار کمی از انسان‌ها هستند که توانسته‌اند با مرگ روبه‌رو شده و از آن نهراسند. من هم از مرگ می‌ترسم. از هر نوع مرگی. از مرگ آرام بیشتر. سیمون دوبوار در کتاب «مرگ آرام» جایی در تبیین میان جسم رنجور و روح آندوهگین به روایت مادرش که میل به زندگی دارد و در چند هفته به‌صورت تدریجی از دنیا می‌رود، اشاره می‌کند. اگر بخواهیم وضعیت‌مان را با آنچه دوبوار نوشته تشبیه کنیم، ما میل به زندگی و تنفس در اتمسفری داریم که سیستم‌های اداره دولت، ما را ناخواسته در جایگاه کسانی قرار داده که یک مرگ تدریجی را در مقابل چشم خود می‌بینند اما دیگر توان دست‌وپنجه نرم‌کردن با مرگ را ندارند. در آموزه‌های سیستمی، سدرمی وجود دارد به نام «سندرم قورباغه پخته». هرچند این مثال شاید از لحاظ علمی تأیید نشود اما در باب حکمت و افسانه می‌تواند کمکی به شناخت بهتر ما از وضعیت موجود باشد. در این افسانه گفته می‌شود اگر شما قورباغه‌ای را در آب جوش بیندازید، قورباغه بلافاصله برای نجات جان خودش تلاش می‌کند و با یک پرش ناگهانی از ظرف آب جوش بیرون می‌پرد. اما اگر قورباغه را در آب سردی بگذارید که بر روی اجاق قرار دارد و درحال گرم‌شدن است، قورباغه احساس می‌کند در شرایط مناسبی قرار دارد و تلاشی برای خروج از این شرایط نمی‌کند. به مرور که آب گرم و گرم‌تر می‌شود، با توجه به اینکه این گرم‌شدن به کندی انجام می‌شود، قورباغه متوجه تغییرات نمی‌ماند اما می‌شود. به‌تدریج عضلات قورباغه بر اثر گرما سست می‌شود و زمانی که قورباغه متوجه می‌شود شرایط مناسب نیست و باید از آب بیرون بیرد، دیگر توانی برای بیرون بردن ندارد. درنهایت قورباغه در همان آب می‌پزد و جانش را از دست می‌دهد.

پیوند این دو روایت وضعیت این روزهای ما در برابر وضعیت «اینترنت» در ایران است. یک سال همه کنشگران حوزه ارتباطات و فعالان رسانه‌ای از طرحی موسوم به صیانت نوشنند و هر بار مسئولان دولتی تأکید کردند که صیانتی در کار نیست. اما آنچه درحال وقوع است، یک صیانت تدریجی و آرام است. درواقع ما با تکه‌های یک پازل بزرگ‌تر روبه‌رو هستیم که هر بخشش به‌تنهایی و در فضایی آرام درحال تصویب است و با کنارهم قرارگرفتن تکه‌های این پازل «طرح صیانت» به‌صورت تدریجی به انجام می‌رسد. ما در فضایی قرار گرفتیم که نمی‌دانستیم آرامش روزهای بی‌خبری اجرای طرح صیانت، ماندن در همان ظرف آب سردی است که درحال گرم‌شدن تدریجی است. تقلاي ما هر روز کمتر شد و آب هر روز گرم‌تر و درنهایت پازل درحال تکمیل‌شدن است. روز گذشته شورای عالی فضای مجازی از یک‌سو و دولت از سوی دیگر قدم‌های این صیانت تدریجی را عیان‌تر کردند.

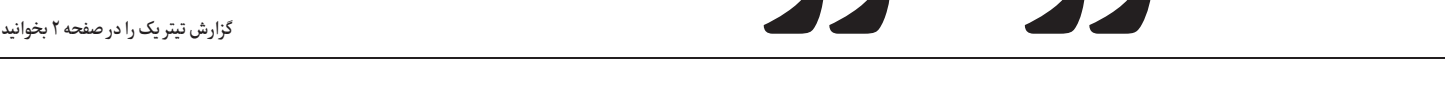
ادامه در صفحه ۵



چهارشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۱ • ۱۰ صفر ۱۴۴۴ • ۷ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۶۹ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

مصوبه شورای عالی فضای مجازی و نگرانی‌هایی درباره احتمال آغاز رسمی محدودسازی اینترنت

نت دور خورد؟



گزارش تیتربک را در صفحه ۲ بخوانید

سامان موحدی‌راه: ۹،۳۰۰،۶۰۰،۱۱،۵ اینها چهار عدد مهم در زندگی رو به مرگ دریاچه ارومیه هستند. این دریاچه در بهترین سال‌های عمرش در دهه ۷۰ شمسی وقتی داشت راه‌آهن ایران-روپا را در آذربایجان غربی تخریب می‌کرد بیش از ۳۰ میلیارد مترمکعب آب داشت. همان سال‌ها برداشت اشتباه از مفهوم توسعه موجب شد تا با سدسازی‌های گسترده بخش‌های زیادی از حقیابه دریاچه ارومیه را پشت سدها زندانی کنند. سال ۹۲ و در پایان دولت ضدمحیط‌زیستی محمود احمدی‌نژاد این دریاچه کمتر از یک میلیارد مترمکعب آب در دل خود جای داده بود.

چیزی حدود نهصد و اندی میلیون مترمکعب آب که زنگ خطر مرگ دریاچه را برای همه به صدا درآورده بود. در بهترین سال‌های پروژه احیای دریاچه و حوالی سال ۱۳۹۶ دریاچه شش میلیارد مترمکعب آب در دل خود جای داده بود و به نظر می‌رسید می‌توان آن را احیا کرد. الان و در نیمه

یادداشت

۴

پیشنهاد ایجاد و سازماندهی «معاونت توسعه پایدار رئیس‌جمهور»

کاملا مشخص است که تحقق این اهداف و به دنبال آن دستیابی به یک جامعه مرفه و پیشرفته در هر کشوری نیازمند همت ملی و ساماندهی ساختار و سازمان کارآمد است که بایستی مشارکت و ردپای نخبگان و تکتک آحاد جامعه را در به ثمر نشستن این اهداف مشاهده کرد. لازم به یادآوری است با توجه به مشغله‌های اجرایی وزرای مختلف و سازمان‌های تحت مدیریت آنها پرداختن به آینده و برنامه‌ریزی برای پایدارسازی موضوعات مختلف کشور با امکان‌پذیر نیست با اینکه تمرکز و توجه کمتری می‌شود و اولین چیزی که در این بین قربانی می‌شود، فکرتکردن و اندیشیدن به آینده است که تغییرات گسترده علمی و فناوری، دگرگونی جمعیتی، بیکربندی مجدد سیاسی و تنوع فرهنگی بسیار زیاد و عمیق شده است. سؤال این است که چگونه می‌توان سیاست‌مداران، مدیران حکمیتی و متفکران برجسته را برای کمک به ساختن آینده بهتر فراهم آورد تا با یک قطب‌نما و نقشه مشترک حرکت کنند؟ آیا نیازمند ساختار جدید نیستیم؟ آیا نیازی به تغییر و تحول در سازمان قوه مجریه نداریم؟ آیا زمان آن نرسیده است که دگرگونی در فرایند تصمیم‌گیری به وجود آوریم؟ برای پاسخ به این سؤالات، لطفاً یک بار دیگر مروری بر اهداف توسعه پایدار که هر کدام از آنها دربرگیرنده یک معضل مزمن در کشور است، داشته باشید. کدام‌یک از این اهداف و تحقق آنها با نهادهای حکمیتی و بخش خصوصی رابطه تنگاتنگی ندارد؟ به بیان دیگر، بدون حضور و مشارکت یک دولت توسعه‌گرا، بخش خصوصی رقابت‌پذیر و تشکل‌های مردمی و جوامع مدنی در این عرصه، پیاده‌سازی و عملیاتی‌کردن اهداف یادشده امکان‌پذیر نیست و همین موضوع، این فکر را در ذهن جاری می‌کند که کدام نهاد حکمیتی وظیفه و نقش سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی بین نهادها و سازمان‌های مختلف حکمیتی و خصوصی را دارد تا با یکپارچه‌کردن استراتژی‌ها، دیدگاه‌ها، اجرای



حسین ساسانی

نظریه‌پرداز توسعه پایدار

جهان در سال ۲۰۰۰ میلادی با یک تحول همراه بود. سازمان ملل متحد به دبیرکلی کوفی عنان، گامی بلند در جهت برنامه‌ریزی برای پایدارسازی جهان برداشت و اهداف هزاره سوم سازمان ملل متحد را در حضور ۱۴۷ دولت و ۱۸۹ کشور برای ۱۵ سال یعنی تا سال ۲۰۱۵ به تصویب رساند. سپس در ادامه راه، گام دوم محکم‌تر از قبل برداشته شد و این بار اهدافی با عنوان «اهداف توسعه پایدار» برای بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ هدف‌گذاری شد و همه کشورها، کم‌سب‌وکارها، سازمان‌ها، نهاد‌های علمی-پژوهشی و دانشگاهی ملزم به اجرای آنها در کشورشان شدند تا اینکه:
۱- فقر پایان یابد،
۲- گرسنگی وجود نداشته باشد،
۳- زندگی سالم و رفاه ارتقا پیدا کند،
۴- آموزش باکیفیت در دسترس همگان باشد،
۵- برابری جنسیتی به وجود آید،
۶- آب سالم و فاضلاب در دسترس باشد،
۷- دسترسی به انرژی پاک و مقرون‌به‌صرفه میسر شود،
۸- رشد اقتصادی پایدار و کار شایسته تحقق یابد،
۹- زیرساخت‌های تاب‌آور و صنعتی فراگیر ارتقا داده شود،
۱۰- نابرابری کاهش پیدا کند،
۱۱- شهرها و جوامع پایدار و تاب‌آور برای زندگی فراهم شود،
۱۲- الگوی تولید و مصرف پایدار گسترش یابد،
۱۳- اقداماتی برای مبارزه با تغییرات اقلیمی به کار گرفته شود،
۱۴- از اقیانوس و دریاها استفاده پایدار شود،
۱۵- اکوسیستم ارتقا پیدا کند و از از بین رفتن تنوع زیستی جلوگیری شود،
۱۶- جامعه پایدار و صلح‌آمیز توسعه یابد و ۱۷- مشارکت جهانی برای توسعه پایدار احیا شود.